



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۸ رجب ۱۴۳۴

جلسه: ۳۷

موضوع کلی: علائم و نشانه‌های وثاقت راوی

موضوع جزئی: مشایخ اجازه

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مشایخ اجازه بود که آیا مشایخ اجازه نیازمند توثیق هستند یا نه؟ عده کثیری معتقدند مشایخ اجازه نیازمند توثیق نیستند، گفتیم بزرگانی مثل شهید ثانی، صاحب معالم، وحید بهبهانی و میرداماد قائلند مشایخ اجازه نیاز به توثیق ندارند. از مجموع کلمات شهید ثانی و صاحب معالم سه دلیل بر این مدعا استفاده می‌شود:

### دلیل اول: قول اول:

#### دلیل اول:

شهید ثانی می‌فرماید: عدالت راوی یا به تصریح دو عادل ثابت می‌شود یا به شهرت بین اهل نقل یا اهل علم؛ مثلاً مشایخ عهد شیخ کلینی و بعد از آن نیازی به تصریح بین بر عدالت ندارند، چون وثاقت و ضبط و عدالت آنها در هر عصری شهرت پیدا کرده، پس وقتی عدالت راوی به تصریح دو عادل یا به شهرت ثابت شد نیازی به توثیق ندارند و وثاقت مشایخ اجازه به شیوع ثابت شده لذا نیازی به توثیق ندارند.<sup>۱</sup>

### دلیل دوم:

صاحب معالم (پسر شهید ثانی) می‌فرماید: این مطلب مورد اتفاق و تسالم است که کسانی که در اسناد روایات واقع شده و قبل از اصحاب کتب می‌باشند نیازی به توثیق ندارند بلکه فقط اصحاب کتب و کسانی که از آنها روایت می‌کنند مورد بحث هستند؛ به عبارت دیگر سیره شیخ و متقدمین بر او این چنین بوده و علامه هم در مورد خود مشایخ هیچ مناقشه‌ای نکرده بلکه عمدتاً بحث در خود اسناد است، اینکه علامه در مورد خود مشایخ مناقشه نکرده و سیره شیخ و متقدمین بر او این بوده فقط به این جهت است که وثاقت مشایخ اجازه نزد آنها محرز بوده، پس با وجود محرز بودن وثاقت مشایخ اجازه نیازی به توثیق نیست.<sup>۲</sup>

### دلیل سوم:

به طور کلی بزرگان رجال از جمله شیخ و نجاشی از روایت کردن از ضعیف پرهیز می‌کرده‌اند؛ مثلاً دأب نجاشی این بوده که از کسی که حال او روشن نبوده و غامض و یا متهم به چیزی بوده روایت نقل نکند، سایر مشایخ هم همین گونه بوده‌اند، مثلاً به آنچه ابن غضائری درباره دیگران گفته خیلی توجه نمی‌کرده‌اند، چون ابن غضائری بسیاری از روات را به اتهام غلو

۱. الرعاية فی علم الدراية، ص ۱۹۲.  
۲. منتقى الجمان، ج ۱، فائده ۹، ص ۳۹.

و امثال آن تضعیف می‌کرده، پس به طور کلی نفس اینکه شیخ و نجاشی از ضعیف روایت نقل نمی‌کرده‌اند نشان دهنده این است که مشایخ اجازه ثقة‌اند و نیاز به توثیق ندارند.<sup>۱</sup>

#### اشکال:

اگر این گونه بود که مشایخ اجازه نیازی به توثیق نداشته‌اند چرا رجالیون به وثاقت مشایخ اجازه تصریح نکرده و از ذکر مشایخ اجازه خودداری کرده‌اند.

#### پاسخ:

رجالیون در صدد ذکر همه روایات نبودند بلکه هدف آنها بیشتر ذکر مصنفین بوده و علت اینکه مشایخ اجازه را ذکر نکرده‌اند چه بسا از این جهت بوده که مشایخ اجازه جزء مصنفین محسوب نمی‌شدند یعنی کتابی نداشتند تا نامشان به عنوان مصنف آن کتاب ذکر شود، پس عدم ذکر مشایخ اجازه به جهت عدم اعتناء رجالیون به آنها نبوده بلکه به جهت عدم احتساب آنها در زمره مصنفین بوده است.

#### اشکالات محقق خویی (ره):

مرحوم آقای خویی و بعضی دیگر به این ادله چهار اشکال وارد کرده‌اند:

#### اشکال اول:

خود نجاشی برخی از مشایخ اجازه از جمله حسن بن محمد بن یحیی<sup>۲</sup>، حسین بن همدان الخصیبی<sup>۳</sup> را تضعیف کرده است، یعنی با اینکه این دو نفر به تلکبری اجازه داده‌اند ولی نجاشی آنها را تضعیف کرده، لذا صرف شیخ اجازه بودن باعث وثاقت نمی‌شود.<sup>۴</sup>

#### اشکال دوم:

قدر و منزلت و اهمیت اصحاب اجماع بالاتر از مشایخ اجازه است، شما می‌بینید درباره اصحاب اجماع به طور مفصل در رجال بحث شده و بحث مبسوطی است که آیا اصحاب اجماع ثقة‌اند و از ثقات روایت نقل می‌کنند یا نه؟ اصحاب اجماع در رجال توثیق شده‌اند حال چگونه ممکن است اصحاب اجماع ذکر و توثیق شده باشند اما مشایخ اجازه به عنوان اینکه نیازی به توثیق ندارند ذکر نشوند.<sup>۵</sup>

#### اشکال سوم:

خود نجاشی متعرض بسیاری از مشایخ اجازه شده، بعضی را توثیق و در مورد برخی دیگر سکوت کرده است، سؤال این است که چرا نجاشی برخی را توثیق و در مورد برخی دیگر سکوت کرده است؟ نفس اینکه برخی را توثیق و در مورد برخی دیگر سکوت کرده نشان دهنده این است که مشایخ اجازه نیاز به توثیق دارند.

۱. همان.

۲. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. همان، ص

۴. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۲.

۵. همان.

#### اشکال چهارم:

به چه دلیل مشایخ اجازه از غیر خودشان از روات دیگر، تفکیک می‌شوند؟ مشایخ اجازه چه ویژگی و امتیازی دارند که دیگر روات نداشته و آن امتیاز باعث شده که نام روات دیگر ذکر شود ولی نام مشایخ اجازه ذکر نشود؟ هیچ امتیازی در مشایخ اجازه وجود ندارد تا نام آنها ذکر نشود و از جهت توثیق و عدم توثیق مورد بحث قرار نگیرند ولی نام سایر روات ذکر شود و از حیث وثاقت و عدم آن مورد بحث قرار گیرند.

ما در آینده در باب خود اجازه خواهیم گفت که اجازه یکی از اقسام تحمّل روایت است، فایده اجازه این است که اسناد روایت به مجیز تصحیح می‌شود، یعنی سند روایت از شخص مجاز تا مجیز تصحیح می‌شود، مجیز غیر از این امتیاز دیگری نسبت به خود راوی ندارد لذا اگر روایت کردن از شخصی، توثیق محسوب نمی‌شود اجازه هم توثیق محسوب نمی‌شود و از این جهت فرقی بین این دو نیست.

لذا در مجموع به نظر می‌رسد ادعایی که بعضی از بزرگان مثل شهید ثانی و صاحب معالم و امثال آنها بیان کرده‌اند بی‌نیازی مشایخ اجازه از توثیق را ثابت نمی‌کند.

«والحمد لله رب العالمین».